

ترانه‌های عامیانه ایران

از نظر رابطه موسیقی با کلام

مطالعه کلی در ساختمان ترانه‌های عامیانه و محلی ایران از نظر رابطه و تلفیق موسیقی با کلام، در وهله اول نشان می‌دهد که موسیقی قسمتی از این ترانه‌ها بر روی اشعار و کلامی ساخته و پرداخته شده که قبلاً وجود داشته است. قسمت دیگری از ترانه‌های محلی پیش از آنکه بصورت «ترانه» در آیند احتمالاً آهنگها و قطعاتی سازی بیش نبوده‌اند که بعداً اشعاری را با آنها منطبق ساخته‌اند. دسته دیگری از این ترانه‌ها از موسیقی و کلامی تشکیل یافته است که هر کدام قبلاً جداگانه وجود داشته و بعداً بشکل مشترک و وحدای درآمده‌اند و بالاخره قسمت دیگر، ترانه‌هاییست که موسیقی و اشعار آنها با هم و در عین حال ساخته شده است. در سه مورد اول یکی از عناصر دو گانه ترانه‌ها (موسیقی و کلام) یا هر دو، قبلاً بصورتی مجزا وجود داشته و بعد عنصر دومی برای آنها پرداخته شده یا عنصر دو گانه موجود، بهم پیوسته‌اند. در مورد چهارم عوامل تشکیل دهنده ترانه‌های عامیانه مشترکاً و در یک

زمان با برصه وجود نهاده اند . این مورد چهارم از نظر « فولکلور » موسیقی جالب تر و اصیلتر از دیگران است .

در مورد اول، اشعار غالباً بوزن دویتی های معمولی است که قسمتی از آنها متعلق به « فولکلور » ادبی میباشد . در این مورد « فورم » موسیقی از واحدهای عروضی و « سیلاب » های اشعار مایه بگیرد و واحدهای وزنی آن از روی اوزان شعری ساخته میشود . اینگونه ترانه ها معمولاً از لحاظ رابطه شعر و موسیقی روان و هموار است و اگر هم در آغاز امر از این لحاظ ناسازگاری در میان باشد ذوق و هنر عامیانه بتدریج با اندک تغییراتی آنرا اصلاح میکنند و زمینه مساعدی برای همزیستی شعر و موسیقی این ترانه ها فراهم می آورد . ترانه ای که ذیلاً بنظر میرسد از اینگونه ترانه ها است که هم اکنون در صفحات مازندران معمول است . نمونه های دیگری از همین ترانه در دست است که در حدود بیست سال پیش گردآوری شده و وزن و ضرب موسیقی آنها با نمونه زیر اندک اختلافی دارد که مانع روانی و تلفیق موسیقی با شعر میگردد این مانع ، ظاهراً بتدریج حل شده و از بین رفته است بطوریکه در نمونه زیر از آن نشانی نیست .

♩. = 80

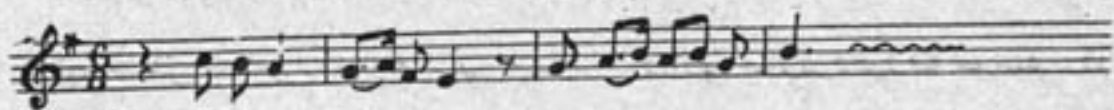
an-gu-re 1. mal bi-ma cam bâ-ke-ci cam xur-de-ra
2. me

1. ca-bi-ma-bâ-to bay-ma cam har-ke-a kam ju-ni-ju
mo-ha-mad om-rac bâ-vu

ni kâ-xe-ru-ni rac-ti-yo mâ-zan-dâ-râ-ne man mî-ran

tan-hâ mi-mâ-ni

تغییر و حل تدریجی ، که اشاره کردیم ، در دو نمونه ای که در زیر بنظر میرسد و مربوط بمیزان های اول ترانه ایست که گذشت دیده میشود :



در مورد دوم ، آهنگ موسیقی ترانه ها غالباً بسیار قدیمی و از آهنگهای رقص و سازی محلی و عامیانه میباشد . اشعاری که برای آنها ساخته میشود معمولاً با ضربهای آهنگ منطبق است . ترانه ذیل که اصلاً از آهنگهای قدیمی کرگانست نمونه ایست از ترانه هایی که اشاره شد .

$\text{♩} = 69$ *mf*.....*ff*

das.ta das.ta çu ma.na.nâm.ze.jan e na na.kâm.ta
 ba.ma ma.na.nâm.ze.jan e.na

در مورد سوم از آنجا که شعر و آهنگ هر دو قبلاً وجود دارند تلفیق و وحدت آنها بدون اشکال صورت نمی گیرد : گاهی جمله های شعری از جمله های موسیقی بلندتر است ، زمانی اوزان آندو بایکدیگر ناسازگارند و بعضی اوقات ابیات اشعار با جمله های موسیقی مطابقت ندارند ... در این مورد ناگزیر تغییراتی در متن اشعار یا ساختمان موسیقی - یا هر دو - داده میشود و فی المثل در برگردانها کلمات و جمله های زائدی بکار میرود یا فقط قسمتی از آهنگ اصلی اجرا میگردد . آنچه مسلم است اینکه شعر و موسیقی سرانجام قالبی هموار و شکل نهائی مشترک خود را باز می یابند .

در ترانه کردی که ذیلاً نشان داده میشود، کلمات « گل ، امان گل ،
 دخیل گل ... » مربوط بشعر اصلی نیست و برای تطبیق با مدت و اوزان
 موسیقی بآن افزوده شده است .

Moderato

Da-ma katbâ - rou gol a - man gol da - xil gol
 lenyâ la da - man gol ço xas la xom damxasla .. xom
 ô sar sarçu kal nâr râs la

و اما ترانه‌هایی که شعر و موسیقی آنها مشترکاً ساخته میشود . اینگونه
 ترانه‌ها معمولاً اثر « آهنگسازان - شاعر » گمنام عامیانه است که شاید گاهی
 از لحاظ شعر یا موسیقی کارشان خالی از سستی و لغزش نباشد . این امر
 البته کلیت ندارد اما آنچه مسلماً در این قبیل ترانه‌ها پیوسته خود نمایی
 میکند هم آهنگی و وحدت است که بین مفهوم و حالت و خصوصیات کلام و موسیقی
 موجود است که خود نشان میدهد که شعر و موسیقی این ترانه‌ها اثر شخص
 واحد است . نمونه‌ای که در صفحه بعد نشان داده میشود بعقیده ما از لحاظ توازن
 و اعتدال و همچنین از نظر نزدیکی روح و حالت کلی موسیقی و کلام ، بخودی خود
 شاهکار کوچکیست .

این ترانه بطور کلی از دو جمله متمایز تشکیل میگردد . جمله اول از
 لحاظ موسیقی حالتی عتاب آمیز و مقترض دارد (« صد بار گفتم همچیز ،
 مکن ، زلف سیه پرچین مکن ... ») ولی این خشم و اعتراض عاشقانه
 زود گذر است و دوامی ندارد . جمله دوم نغمه لطیف و پر محبتی است که
 حالتی پر تمنا دارد ... (« ای رعنا ، ای دلخواه ، ای زیبا جان ... ») . این
 دو جمله را ، با حالات متضاد خود شاید بتوان « تم » های مذکور

(Masculin) و مؤنث (Féminin) خواند ، همچون «تم» هائی که در موسیقی
 غربی باین نام خوانده میشود .

$\text{♩} = 120$

sad bār gof. tam kam. cin ma. kon zol. fe si. yâ ra
 por. çin ma. kon ey na'..nâ ey del. xâ ey zi. bâ jân

در شماره آینده :

فصلی از کتاب

مقاصد الالجان

رتال جامع علوم انسانی
 عبدالقادر مراغی

که از روی دو نسخه قدیمی استنساخ شده است